

سه شنبه ۲۰ سپتمبر ۲۰۱۶

ناتور رحمانی

(عید در تبعید)

روز عید ما شبیه ماتمسرای کربلاست
 دوزخ ثانی به میهن شاهد این مدعاست
 خنده ها بانوک برچه بخیه شد بر لب ها
 تلخی اندوه به قلب مردمان بی انتهاست
 ژنده پوشان گرسنه آدمهای شهر و ده
 نوحه گر در محرم خود اند دگر عید در کجاست ؟
 انعکاس قلب زخمی شعلهء ناموس خلق
 جلوه پرداز سکوت قامت آیینه هاست
 دست ها پر آبله ، زخمی و خالی از نیاز
 خون حسرت بر کف هر دست شکلی از حناست
 ریزش هر قطره اشک از چشم خونبار کسی
 قتل عام جنگل و یا که سقوط آشناست
 بزم عید با شور و شادی خوردن و نوشیدن است
 عید ما خون خوردن دل ، گریه های بی صداست
 کس نرود پیش کس از بهر تبریکی به عید
 هر یکی در گوشهء با درد خویشتن مبتلاست
 زیر باران گلوله در حمام داغ خون

عید مبارک گویی ها بدتر ز کفر و ناسزا است
سالهاست عید را ندیده مرز و بوم کشورم
ماتم اندود غم و روزه به دهان و بینواست
عید در تبعید گذشت دور از دیار و یار ما
در محیط ناشناس (ناتور) گدا و بی پناه ست .

